یادداشت

استارتاپ‌ها یا بازارهای نوین سرمایه‌گذاری

فرشته محمدی
عضو انجمن حسابداران خبره ایران

● در ادبیات سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار یعنی شخصی که تأمین مالی یک فعالیت اقتصادی عمومی و رایج را عهده‌دار می‌شود. در مقابل برخی سرمایه‌گذارانی هستند که کارشان تأمین مالی از کسب‌وکارهای نوآورانه ریسکی «شرکت‌های دانش‌بنیان» است. این‌گونه سرمایه‌گذاران که در دو قالب سرمایه‌گذار فرشته و سرمایه‌گذار ریسک‌پذیر فعالیت دارند؛ در واقع از ایده‌های نوآورانه که کسی جرئت به‌اتمام‌رساندن و تکمیل آن را ندارد و عموما در حوزه کسب‌وکارهای مبتنی بر علم و فناوری هستند، حمایت می‌کنند، با این تفاوت که سرمایه‌گذار فرشته شخص حقیقی است که به‌تنهایی کار می‌کند، درحالی‌که سرمایه‌گذار خطرپذیر اشخاص حقوقی به‌شمار می‌روند. این نوع سرمایه‌گذاران از سال‌های ۱۳۷۹ به بعد رشد کردند و در جهان کنونی که کروناویروس بسیاری از کسب‌وکارها را به تعطیلی کشانده، بازار سرمایه‌گذاری فرشتگان و ریسکی نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است. سرمایه‌گذار فرشته یا فرشته سرمایه‌گذار که معادل واژه‌های «Business Angel و An-gel Investor». بوده به آن شخصی گفته می‌شود که پول خوبی در اختیار داشته و آمادگی دارد این پول را برای شروع به کار یا برای رشدکردن در اختیار یک استارتاپ قرار دهد. طبیعی است که این سرمایه‌گذاری بخشی از اکوسیستم استارتاپی باشد و در تأمین مباحث مالی یک استارتاپ نقش داشته باشد. یک سرمایه‌گذار فرشته برای پولی که در اختیار شما قرار می‌دهد، معمولا چیزی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد سود طلب می‌کند و چنین درصدی از بازگشت سرمایه برای سرمایه‌گذاری فرشته پذیرفتنی است. فرشتگان کسب‌وکار (Angel Investors)، تاجران و کارآفرینان ثروتمندی هستند که بخشی از ثروت خود را روی استارتاپ‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذاران فرشته بر خلاف روال معمول تجارت، ممکن است سرمایه‌گذاران سرشناس نباشند بلکه افراد حرفه‌ای در حوزه‌های پزشکی، وکالت، مدیرعاملی، تولید و حتی مصرف در این گروه کسب‌وکار قرار گیرند. اگرچه سرمایه‌گذاری در این مراحل با ریسک بسیار بالایی همراه است اما فرشته کسب‌وکار به دلیل سابقه درخشان تجاری‌اش، با تیم کارآفرین نوپا از نزدیک کار می‌کند تا احتمال شکست آنها را کاهش دهد. ازاین‌رو به این‌گونه سرمایه‌ها که فراتر از پول نقدی است، سرمایه هوشمند نیز می‌گویند.

سرمایه‌گذاران فرشته که با عنوان فرشتگان کسب‌وکار شناخته می‌شوند، افرادی هستند که منابع مالی شخصی خود را در استارتاپ و شرکت‌های دارای پتانسیل بالا سرمایه‌گذاری و در مقابل این سرمایه‌گذاری بخشی از سهام آن شرکت را تصاحب کنند. از طرف دیگر شرکت‌های سرمایه‌گذار خطرپذیر از یک گروه از سرمایه‌گذاران حرفه‌ای تشکیل می‌شود. سرمایه آنها از افراد، شرکت‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و بنیادها تأمین می‌شود. این سرمایه‌گذاران با عنوان شرکای محدود شناخته می‌شوند. از سوی دیگر شرکای عمومی بنیان‌گذاران «Founder»ها یا کارآفرینان شرکت هستند که ایده اولیه شرکت متعلق به آنان بوده و خودشان نیز توانایی فنی به‌اجرادرآوردن این ایده‌ها را در صورت تأمین مالی شرکت دارند.

فاندرها «مؤسسان» یا مدیران اجرائی باید همیشه یک برنامه کاری سه تا پنج ساله را برای ارائه به سرمایه‌گذاران فرشته در اختیار داشته باشند تا بتوانند آنان را به سرمایه‌گذاری در این برنامه ترغیب کنند. بر اساس اطلاعات موجود در سایت‌های سرمایه‌گذاران فرشته عموما این سرمایه‌گذاران بین ۲۵ تا ۱۰۰هزار دلار از پول خود را سرمایه‌گذاری می‌کنند، هرچند گاهی اوقات این مقادیر می‌تواند بیشتر یا کمتر باشد. وقتی این سرمایه‌گذاران در یک گروه جمع شوند، سرمایه می‌تواند تا یک میلیون دلار هم برسد. در مقایسه، سرمایه‌گذاران خطرپذیر به‌طور متوسط هفت میلیون دلار در یک شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند. حجم سرمایه‌گذاری سالانه فرشته در بازارهای نوین فناوری اروپا از ۲۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۳۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. تفاوت سرمایه‌گذار فرشته و خطرپذیر در مقادیر سرمایه‌گذاری آنها تبلور می‌یابد. اگرچه وظیفه سرمایه‌گذاران فرشته اساسا پشتیبانی مالی است اما برخی از آنها به دلیل روابط گسترده‌ای که با ارکان بازارهای کشور دارند، می‌توانند در حوزه تصمیمات مالی - بازاریابی هم مورد مشورت قرار گیرند. اما تمایل سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر رفتن به دنبال محصول یا خدمات نوینی است که مزیت رقابتی قوی داشته باشد. عمده سرمایه‌گذاران فرشته در آمریکا در حوزه سیلیکون‌ولی فعال هستند و در تهران نیز عموما در منطقه شهرک دانش‌بنیان اطراف دانشگاه شریف مستقر هستند. فرشتگان سرمایه‌گذار نسبت به سایر گزینه‌های تأمین سرمایه (بانک‌ها، مؤسسات تأمین مالی، و شرکت‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر) سرمایه‌گذاری‌های کمتر اما با ریسک بالاتر را تقبل کرده و در مراحل زودتری از کسب‌وکار سرمایه‌گذاری را می‌پذیرند. این نوع سرمایه‌گذاری به استارتاپ‌ها شتاب می‌دهد و رشد آنها را تسریع می‌بخشد.

وضعیت بازار ارز، مسئولان را به مجلس کشاند

انگشت اتهام به سمت لیست محرمانه

شرق: کمیسیون تخصصی اقتصاد نخستین روز کاری خود را با مسئله مهم این روزها، یعنی نرخ ارز شروع کرد. سیداحسان خاندوزی، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، در پیامی نوشت: بلافاصله پس از انتخاب هیئت‌رئیسه، موضوع نخستین جلسه کمیسیون اقتصادی در نخستین روز تابستان، بحث داغ این روزهای اقتصاد «بازار ارز» بود. او تأکید کرد: چرایی نوسانات ارزی با حضور دستگاه‌های مرتبط طی امروز و فردا در کمیسیون اقتصادی مجلس بررسی می‌شود.

بازار ارز روز گذشته شاهد رکورد بی‌سابقه قیمت‌ها بود. دلار صبح دیروز قیمت خود را از ۱۹هزار تومان آغاز کرد و در ساعات پایانی روز ۲۰ هزار تومان معامله شد. حالا این نرخ همه را نگران کرده؛ از مسئولان گرفته تا مردم کوچه و بازار که با هر هزار تومان افزایش قیمت ارز، قدرت خرید آنها بیشتر از قبل افت می‌کند و گذران معیشت برایشان دشوارتر می‌شود. کارشناسان و فعالان بازار معتقدند شتاب‌گیری رشد نرخ دلار ادامه همان روندی است که از قبل طی می‌کرده و از طرفی بازار صعودی سرمایه نیز در افزایش قیمت بازار سکه و ارز بی‌تأثیر نبوده است. اما سیاست‌گذار پولی مهم‌ترین دلیل افزایش نرخ ارز را عدم بازگشت ارزهای حاصل از صادرات می‌داند. حالا بانک مرکزی می‌گوید دیگر دوره دست‌ودل‌بازی‌مان گذشته و به صادرکنندگان اولتیماتوم داده که هرچه زودتر ارزهای خود را بازگردانند. حتی این تأکید از سوی شخص رئیس‌جمهوری هم مطرح شده و اکنون صادرکنندگان با خطر تعلیق کارت بازرگانی در صورت عدم بازگشت ارز مواجه هستند و رئیس کل بانک مرکزی هم گفته است در صورت ادامه این روند، فهرست اسامی صادرکنندگان غیرمتعهد منتشر خواهد شد. اما آیا این اتمام‌حجت‌ها می‌تواند صادرکنندگان را وارد مسیر بازگشت ارز کند؟ گزارش‌ها نشان می‌دهد بازرگانان راه و روش دورزدن تعهدات را در این وانفسا پیدا کرده‌اند و با جلوانداختن حق‌العمل‌کارها، اصلا ردی از خود به جای نمی‌گذارند که حالا در صورت عدم رفع تعهد کارت بازرگانی‌شان تعلیق شود. طبق پیگیری‌های «شرق» از ۲۷.۵میلیارددلاری که ۸۶ درصد از صادرکنندگان متعهد بودند به کشور بازگردانند، فقط ۵.۵ میلیارددلار رفع تعهد شده و ۲۲ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات به کشور بازنگشته است. کمال سیدعلی، معاون ارزی سابق بانک مرکزی، می‌گوید نام این روند را دیگر نمی‌توانیم صادرات بگذاریم، بلکه اکنون ما با پدیده فروش سرمایه روبه‌روییم؛ سرمایه‌ای که جزء منابع این کشور است، با رانت منابع طبیعی و سوبسیدی به دست می‌آید، فروخته و از کشور خارج می‌شود، بدون هیچ ارزش افزوده‌ای برای اقتصاد کم‌جان امروز ما. یک منبع آگاه می‌گوید: بانک مرکزی می‌گوید بازار نیمایی درحال‌حاضر خلوت است و ما در این بازار مشکل عرضه و تأمین ارز نداریم؛ درحالی‌که روند به این شکل است که واردکنندگان را برای تأمین ارز پشت در نگه داشته‌اند و فقط برخی از آنها امکان و امتیاز ورود به اتاق برای دریافت ارز را دارند. سایر واردکنندگان مجبور هستند برای تأمین ارز به بازار آزاد مراجعه کنند. التهاب پشت در اتاق بازار نیمایی امروز به بازار ارز منتقل شده و قیمت‌ها را هر روز دچار نوسان می‌کند. نکته مهم دیگری که این منبع مطلع اشاره کرد، این بود که امروز مشکل اصلی دولت تأمین ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی است و ارز صادرکنندگان هم همه مشکلات را حل نخواهد کرد.

تهدید به افشای نام متخلفان ارزی

به گزارش «شرق»، روند دنباله‌دار رشد شتابان نرخ ارز به وضعیت قرمز

رسیده و رئیس‌جمهوری نیز به آن واکنش نشان داده است. ماجرا هم از نیمه خرداد سرعت گرفت. نرخ ارز از ابتدای خرداد در کانال ۱۸ هزار تومان می‌چرخید و در روزهای پایانی این ماه به کانال ۱۹ هزار تومان و با آغاز تیر رسما وارد کانال ۲۰ هزار تومان شد. اگر تا قبل وضع تحریم‌ها و اقدامات مربوط به این تحریم‌ها یا شیوع کرونا نوسانات ارزی را شدت می‌بخشید، اکنون اتفاق نه در سطح بین‌المللی بلکه در داخل کشور افتاده است. هرچند نمی‌توان افزایش نرخ ارز را منوط به یک عامل دانست و عوامل ساختاری و سیگنال‌هایی مانند وضع تحریم و افت قیمت جهانی نفت و شیوع ویروس کرونا بر صعود نرخ‌ها اثرگذار بوده، اما اکنون مسئولان مهم‌ترین عامل شتاب‌بخشی به رشد نرخ ارز را در ارزهای بدون بازگشت می‌دانند. کالاهایی که صادرکنندگان از مرز خارج کرده‌اند، فروخته‌اند، اما ارزهای حاصل از آن را به کشور بازنگردانده‌اند. از سویی واردکنندگانی هم ارزهای دولتی را دریافت کرده و هنوز کالایی وارد نکرده‌اند. این دو مجرا در کنار کاهش درآمدهای نفتی، اقتصاد امروز ایران را با بحران تأمین ارز مواجه کرده و همین کمبود ارز در بازار منجر به افزایش قیمت‌ها شده است. همین فرار بخشی از صادرکنندگان و واردکنندگان از ایفای تعهداتش منجر به صدور دستور جدی از سوی حسن روحانی به بانک مرکزی شده است. رئیس‌جمهوری بانک مرکزی را موظف کرده به‌طور شفاف فهرست تمام کسانی که برای واردات ارز دریافت کرده‌اند، به علاوه میزان عمل آنها به تعهداتشان را منتشر کرده و بانک مرکزی هم اعلام کرده در صورت عدم برگشت ارز از سوی صادرکنندگان، اسامی متخلفان در رسانه‌ها انتشار می‌یابد. نمایندگان مجلس هم با نگرانی درباره این وضعیت دست به کار شده‌اند و دیروز مسئولان ارزی را به مجلس فراخواندند. محسن زنگنه، یکی از نمایندگان مجلس، پیشنهاد کرده دولت نظام چندنرخی ارز را پایان دهد و ارز را تک‌نرخی کند. در ادامه وزارت صمت نیز در اقدامی تکمیلی برای تغییر وضعیت جهش نرخ ارز، اعلام کرد تمامی صادرکنندگان مکلف هستند تا پایان تیر ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازنگردانند؛ در غیر این صورت کارت بازرگانی آنها تعلیق خواهد شد. اما آیا این صادرکنندگان متخلف با کارت بازرگانی خود عمل صادرات را انجام می‌دهند که حالا نگران تعلیق کارتشان باشند؟ «شرق» پیش‌تر در گزارشی از شناسایی ۲۵۰ حق‌العمل‌کار خبر داده بود که از سوی بانک مرکزی انجام شده است. صادرکنندگان برای اینکه نامی از خودشان در امور صادرات و بازگشت ارز بر جای نماند، حق‌العمل‌کارها را جلو می‌اندازند و فرایند صادرات را آنها برایشان انجام می‌دهند. حالا اگر کارت بازرگانی حق‌العمل‌کار تعلیق هم بشود، امکان دریافت کارت بازرگانی به نام خویشاوندان خود را دارد و سریع جایگزین می‌کند. پس این تهدید وزارت صمت به نظر نمی‌تواند کارسازی لازم را داشته باشد. این اولین باری نیست که نرخ ارز جهش می‌کند و دولت برای کشیدن ترمز جهش آن، مجبور به مداخله است، اما موضوع متفاوت این دوره، این است که با کاهش درآمدهای نفتی، هم از محل فروش و هم از محل کاهش قیمت جهانی نفت، بانک مرکزی توان و امکان مداخله ارزی با ابزار تزریق ارز به بازار را ندارد و از طرفی ارز حاصل از صادرات هم به کشور بازنمی‌گردد که بتواند این افزایش قیمت‌ها را مهار کند.

وضعیت قرمز بازارهای موازی بورس

کمال سیدعلی، معاون ارزی سابق بانک مرکزی، با اشاره به کارنامه ارزی اقتصاد ایران در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد: بحث بازگرداندن ارز صادرکنندگان از آغاز کار عبدالناصر همتی مطرح بود، اما اینکه تا چه حد این اقدامات رفع ایجاب شده است، موضوع دیگری است. گرچه بانک مرکزی در دستور کار قرار داده و با صادرکنندگان متخلف برخورد کرده، اما این اقدامات منجر به ایفای تعهدات صادرکنندگان نشده است. ما قبلا اگر با خروج سرمایه مواجه بودیم، الان به شکل وسیع و گسترده سرمایه‌فروشی انجام می‌شود. همواره این عدم رفع تعهد روی قیمت ارز تأثیر داشته است. از سه ماه گذشته که آثار فشار نفت بیشتر شده، عدم رفع تعهد از ارز حاصل از صادرات مسئله‌ساز شده است. او ادامه می‌دهد: ما نمی‌توانیم یک بازار مانند بازار بورس را جهشی و صعودی کرده و شعله‌ور کنیم و انتظار داشته باشیم اشباع در این بازار به بازارهای دیگر سرایت نکند. بخشی از افزایش قیمت ارز معطوف به رشد بازار بورس است و به‌عنوان یک بازار موازی، با وقفه آثاری تورمی را دارد بروز می‌دهد. در کنار این موضوع را هم در نظر بگیرید که ما فروش فوق‌العاده خودرو داشتیم؛ کسانی که نتوانستند از این فروش بهره‌مند شوند، نقدینگی خود را به بازار دیگر روانه می‌کنند. سیدعلی تأکید می‌کند: منابع بانک مرکزی در این شرایط برای کنترل نرخ ارز ضعیف است و اگر این ارزها بازنگردد، باید منتظر شتاب و جهش ادامه‌دار نرخ ارز باشیم.

بحران تأمین ارز ۴۲۰۰ تومانی

گرچه دولت و بانک مرکزی دلیل عمده افزایش نرخ ارز را عدم بازگشت ارزهای حاصل از صادرات می‌دانند، اما سیدعلی، معاون سابق ارزی بانک مرکزی، معتقد است این فقط یک دلیل از ده‌ها دلیل افزایش نرخ ارز است. او جهش بازار بورس را یکی از مهم‌ترین عوامل می‌داند. یک منبع آگاه هم در گفت‌وگو با «شرق» از عوامل دیگری صحبت می‌کند که ما روایتی از آنها در سخنان سایست‌گذار پولی نمی‌بینیم. این منبع آگاه توضیح می‌دهد: بانک مرکزی می‌گوید بازار نیمایی درحال‌حاضر خلوت است و ما در این بازار مشکل عرضه و تأمین ارز نداریم؛ درحالی‌که روند به این شکل است که واردکنندگان را برای تأمین ارز پشت در نگه داشته‌اند و فقط برخی از آنها امکان و امتیاز ورود به اتاق را برای دریافت ارز دارند و سایر واردکنندگان مجبور هستند برای تأمین ارز به بازار آزاد مراجعه کنند. التهاب پشت در اتاق بازار نیمایی است. از طرف دیگر مشکل عمده دولت در تأمین ارز چهارهزارو ۲۰۰تومانی است و واردکننده کالای اساسی با کمبود عرضه ارز چهارهزارو ۲۰۰تومانی هم روبه‌رو است. اینها بازار را ملتهب کرده، نه فقط عدم بازگشت ارزهای حاصل از صادرات.

دستور استعفای کارکنان دولتی شاغل در مراکز خصوصی برای جلوگیری از بروز فساد

شناسایی لایه‌های پنهان روابط

شرق: تخلفاتی که به دنبال برخی روابط مالی و ردوبدل‌شدن هدایا برای پیگیری منافع شخصی ایجاد شد، منجر به ابلاغ دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های جدیدی در برخی سازمان‌ها و نهادها شده است. پس از اقدام عباس آخوندی برای قطع همکاری اعضای سازمان نظام‌مهندسی با سازمان‌های موازی مانند شهرداری که البته به نتیجه مطلوب نرسید، بهزیستی وارد عمل شد و اشتغال کارکنان خود در مؤسسات توانبخشی را ممنوع اعلام کرد. اقدام مشابه دیگری نیز در وزارت آموزش‌وپرورش افتاد و به‌تازگی حاجی‌میرزایی، وزیر آموزش‌وپرورش، با اعلام فرصت دوماهه برای کارکنان زیرمجموعه، تأکید کرد: افرادی که دو پست هم‌زمان در مؤسسات خصوصی و دولتی دارند، لازم است ظرف دو ماه از یکی از این مناصب استعفا دهند.این دستورالعمل از آن جهت حائز اهمیت است که مصادیق بروز فساد از محل پیگیری نفع شخصی به واسطه داشتن پست‌های دولتی در حال گسترش است. سیاست‌گذارانی که با گرفتن پست‌های مشاوره‌ای یا اجرائی در مؤسسات خصوصی، منافع بخش خصوصی را در سیاست‌ها دنبال می‌کنند، رو به افزایش هستند و کار به جایی رسیده که در بخش قانون‌گذاری کشور نیز منافع شخصی در قوانین لحاظ می‌شود.درنظرگرفتن منافع حوزه‌های انتخابی نمایندگان مجلس، خروجی جز تصویب قوانین بخشی‌نگر و آسیب‌زننده نداشته و این اتفاق به‌طور فراگیر در بیرون مجلس، در سایر نهادها و ارگان‌ها به تکرار دیده می‌شود.جلال کریمیان، پژوهشگر حوزه آموزش‌وپرورش، در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره تأکید کرد: تعارض منافع همواره دغدغه همه سازمان‌های کوچک و بزرگ بوده است؛ چراکه منافع شخصی افراد زیاده‌خواه موجب اختلال در نیل به اهداف سازمان می‌شود. بااین‌حال، توجه ویژه به تعارض منافع به‌عنوان یک مسئله در حکمرانی، زمانی به وجود آمده است که روابط بخش دولتی و عمومی با بخش خصوصی، به‌ویژه در زمینه خرید خدمات، به رویه‌ای محوری در بخش‌های گوناگون اداره کشور بدل شده است.در حیطه آموزش‌وپرورش، وقتی سیاست‌گذاری خودش در مدرسه خصوصی یا سازمان آموزشی سهامدار است، هم به‌طور ناخودآگاه و هم خودآگاه و خودانگیخته می‌تواند دچار تعارض منافع شود. شاید آن فرد به نظر انسان موجهی به نظر برسد و گمان شود درگیر این تعارض نخواهد شد، اما این قضاوت در صورتی صحیح خواهد بود که بتوانیم امیال ناخودآگاه او را نیز بشناسیم و به آن آگاهی داشته باشیم. به همین خاطر در دنیا رویه‌ای برای رفع این تعارض‌ها گذاشته شده و بسیار جدی بر اجرای آن نظارت دارند، اما در کشور ما قواعد دچار نقص‌های زیادی است؛ چراکه در سالیان گذشته ما درگیر فضاهای رفاقتی اداره کشور هستیم و ایده رفاقت و تعهد به معنایی که برخی مدنظرشان هست، سبب شده تأثیرات سوء تعارض منافع را نادیده بگیریم. بنابراین حتی در حداقلی‌ترین سطح نیز به این مقوله پرداخته نشده است. او با اشاره به اینکه اگر با ادبیات حکمرانی دراین‌باره آشنایی داشته باشید، متوجه خواهید شد تا چه اندازه در این بحث عقب هستیم، متذکر شد: مصادیقی در این زمینه وجود دارد که ریشه‌دار و متعدد است. مؤسسات خصوصی از نهاد سیاست‌گذار مجوز دریافت می‌کنند و تحت نظارت هستند. در این مراکز نوعی از تعارض منافع ایجاد می‌شود که با ایجاد روابط مالی و ردوبدل‌شدن هدایا، تخلفات مؤسسات نادیده گرفته می‌شود و این به روالی عادی تبدیل شده است. اگر شما به امین یک مؤسسه غیردولتی تبدیل شوید، به شما خواهند گفت، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، چه رشوه‌ها یا امتیازاتی به نام هدیه ردوبدل می‌شود. کریمیان اظهار کرد: بخش‌های اقتصادی آموزش‌وپرورش مانند سازمان نوسازی مدارس یا صندوق ذخیره فرهنگیان که کارشان اساسا اقتصادی است و پول‌ها مستقیم تزریق می‌شود، به خاطر آنکه پای پول‌ها و قراردادهای کلان در کار است، در روابط کارفرما (آموزش‌وپرورش) با پیمانکار ممکن است روابط مالی پشت پرده‌ای شکل گیرد و در مناقصه‌ها و مزایده‌ها به نفع شخص یا اشخاصی عمل شود.این‌گونه رویه‌ها نه‌تنها به فساد اداری می‌انجامد، بلکه موجب اختلال در روند اداره کشور می‌شود. او بیان کرد: بدون قواعدگذاری در این حیطه، مردم را با یک فرهنگ ضدبوروکراتیک (بوروکراسی در معنای مثبت کلمه) بار می‌آوریم و در معرض این تعارض منافع دائمی قرار می‌دهیم. تعارض منافع در کشور آن‌قدر ریشه دوانده که یک نماینده مجلس هم بر اساس مصالح و منافع خود قانون تصویب می‌کند؛ یعنی فرهنگی ضدقانونی را توسعه می‌دهیم و نتیجه این می‌شود که خود نهاد قانون‌گذاری کشور نیز تبدیل به مقر تعارض منافع می‌شود.کریمیان با بیان اینکه مجلس به‌گونه‌ای پیش رفته که آموزش‌وپرورش را به مرز نابودی کشانده است، توضیح داد: در بحث استخدام نیروی انسانی، آموزش‌وپرورش قواعدی درباره نیروی متخصص و آموزش‌دیده دارد، اما چند سالی است مجلس قوانینی را تصویب می‌کند که آموزش‌وپرورش را ملزم به استخدام نیروهای فاقد صلاحیت می‌کند؛ یعنی جذب نیروهای حق‌التدریس یا نهضت سوادآموزی بدون برگزاری آزمون. در واقع قوانین مجلس سبب شده افرادی بدون آزمون و صلاحیت‌سنجی وارد سیستم آموزشی شوند و آموزش‌وپرورش ناچار می‌شود نیروهای کم‌کیفیت و آموزش‌ندیده را وارد سیستم کند. این اتفاق را مجلس رقم زده است؛ چون نمایندگان درگیر تعارض منافع هستند و برای خوشایند رأی‌دهندگان، مصالح عالی کشور را فدا می‌کنند. این یکی از مصادیق خارج از حوزه آموزش‌وپرورش است که تأثیرش از تمام آنچه در خود سیستم وجود دارد بر نظام آموزشی کشور بیشتر است. او اذعان کرد: تأثیر مهم دیگر تعارض منافع، گسترش خصوصی‌سازی و در نتیجه تعمیق نابرابری در آموزش است. وقتی شما کسانی را در حوزه تصمیم‌گیری دارید که خودشان در بخش خصوصی ذی‌نفع هستند، به دلیل همان عوامل خودآگاه و ناخودآگاه، سیاست‌هایی که برای حمایت از خصوصی‌سازی در دستور کار قرار می‌دهند، عرصه وسیع‌تری برای بروز پیدا می‌کند و به‌راحتی تصمیماتی برای خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش گرفته می‌شود که برخلاف مصالح سیستم و حتی قوانین عالی کشور است. مثلا ما در موضوع خرید خدمت می‌بینیم که قانون آن به‌راحتی تصویب می‌شود، بدون اینکه کسی درباره جزئیات آن نظر بدهد و بررسی کارشناسی کند؛ درحالی‌که اگر با دید کارشناسی دقیقی نگاه شود، ملاحظه خواهد شد که این‌گونه طرح‌ها چه تبعاتی دارد.این کارشناس افزود: گسترش این طرح در آینده می‌تواند منجر به گسترش کالایی‌شدن آموزش‌وپرورش شود، به‌ویژه آنکه دولت‌ها دغدغه آموزشی ندارند و در نتیجه با کالایی‌شدن آموزش‌وپرورش، نابرابری‌های آموزشی شدت می‌گیرد؛ یعنی شما انواع سیاست‌هایی را به کار می‌برید که پول افراد تعیین‌کننده کیفیت آموزش دریافتی آنها می‌شود و این در تعارض با فلسفه وجودی آموزش عمومی است. او با بیان اینکه جلوگیری از تعارض منافع یک اصل مدیریتی است، عنوان کرد: حتی یک سازمان خصوصی هم باید سیاست‌های ضدتعارض منافع داشته باشد. مجلات علمی را هم که ملاحظه می‌کنید، پژوهشگری که مقاله می‌دهد باید اعلام کند که در بخش‌های مرتبط با مقاله ذی‌نفع نیست؛ چون ممکن است برای مثال در مقاله توصیه علمی برای مصرف یک دارو طرح شود؛ درحالی‌که ممکن است پشت این توصیه، ارتباط مالی و شغلی پژوهشگر با سازنده دارو مطرح باشد. در دنیا چنانچه مشخص شود پژوهشگری ذی‌نفع بوده، برخوردهای قهری شایان ملاحظه‌ای پیش‌بینی‌شده است. کریمیان تصریح کرد: در این زمینه، هم قوانین بالادستی و هم بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمانی می‌تواند اثرگذار باشد. مسلما لایحه تعارض منافعی که دولت تنظیم کرده و هنوز به تصویب نرسیده، یکی از اقداماتی است که می‌تواند این کنترل‌ها و نظارت‌ها از طریق آن بهتر انجام شود.

خبر

تکلیف اقساط وام یک‌میلیونی بعد از حذف یارانه‌بگیران

● در حالی اقساط وام یک‌میلیونی یارانه‌بگیران از محل یارانه نقدی واریزی در هر ماه کسر می‌شود که در صورت حذف یارانه‌بگیر، مسئولیت پرداخت این اقساط به بانک‌ها، بر عهده دولت خواهد بود.

به گزارش ایسنا، پرداخت وام یک‌میلیونی برای حدود ۲۳ میلیون خانوار یارانه‌بگیر، طرحی بود که با پیشنهاد بانک مرکزی و برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در اردیبهشت به اجرا درآمد؛ به طوری که هر خانوار می‌توانست با اعلام تقاضا و قرارگرفتن در فهرستی که از سوی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی و سازمان هدفمندی یارانه‌ها به بانک مرکزی ارائه می‌شد، این تسهیلات را دریافت کند.

جریان پرداخت وام یک‌میلیونی از این قرار بود که ابتدا پیش‌بینی شد با سود ۱۲ درصد و بازپرداخت ۲۴ماهه به حساب یارانه‌بگیران واریز و اقساط آن از همان حساب یارانه کسر شود؛ اما با توجه به اینکه در این شرایط مبلغ اقساط به حدود ۴۷ هزار تومان می‌رسید و خانوار یک‌نفره در تأمین قسط به مشکل برمی‌خورد و از سوی دیگر سود آن برای این تسهیلات بالا به نظر می‌رسید، این‌گونه تغییر کرد که سود ۱۲درصدی به‌نوعی بین دولت و مردم تقسیم شود که چهار درصد را یارانه‌بگیر و هشت درصد دیگر را دولت بپردازد و اقساط از ۲۴ به ۳۰ ماه افزایش یابد. در این حالت، قسط پرداختی به ۳۵ هزار تومان در هر ماه کاهش پیدا کرد.

در حالی حدود ۲۱ میلیون خانوار در چند مرحله وام یک‌میلیونی را دریافت کردند که این روزها برخی یارانه‌بگیران می‌گویند اخیرا یارانه آنها واریز نشده و به نظر می‌رسد قطع شده باشد و این سؤال برای آنها مطرح است که در این شرایط، قسط وام یک‌میلیونی آنها چگونه پرداخت خواهد شد؟

در این رابطه، لازم به توضیح است که قسط یارانه‌بگیران حذف‌شده بر عهده دولت خواهد بود. این در حالی است که طبق مصوبه هیئت وزیران در رابطه با سازوکار پرداخت وام یک‌میلیونی، در صورت قطعی یارانه خانوار، مانده اصل و سود در تعهد دولت بوده و سازمان برنامه‌وبودجه مکلف است آن را در لوایح بودجه سنواتی پیش‌بینی و به نظام بانکی بازگرداند.

قیمت سکه طرح جدید به ۸/۴ میلیون تومان رسید

● قیمت هر قطعه سکه تمام‌بهار آزادی طرح جدید در جریان معاملات بازار آزاد تهران روز گذشته به هشت‌میلیون‌و ۴۰۰ هزار تومان رسید.

به گزارش مهر، در جریان معاملات بازار آزاد تهران روز گذشته، قیمت هر قطعه سکه تمام‌بهار آزادی طرح جدید هشت‌میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، هر قطعه سکه تمام‌بهار آزادی طرح قدیم هشت‌میلیون‌و ۱۰۰ هزار تومان، نیم‌سکه چهارمیلیون‌و ۱۵۰ هزار تومان، ربع‌سکه دومیلیون‌و ۳۵۰ هزار تومان و سکه یک‌گرمی یک‌میلیون‌و ۲۲۰ هزار تومان است.

همچنین قیمت هر اونس طلا هزارو۷۴۸دلارو ۴۴ سنت و هر گرم طلای ۱۸ عیار ۸۱۸هزارو ۵۹۴ تومان است.

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند سهامی عام

«آگهی ارزیابی کیفی سازندگان /تولید کنندگان »

شماره مجوز: ۱۳۱۷-۱۳۹۹

نوبت دوم

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند در نظر دارد کالاهای موضوع بند «یک» آگهی حاضر را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای از سازنده / تولید کننده واجد شرایط خریداری و تامین نماید.

۱) موضوع مناقصه

الف)شرح مختصر کالا

ردیف	شماره مناقصه	شرح مختصر کالا	مقدار / تعداد	برآورد هزینه انجام موضوع مناقصه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)
۱	RNP-9805117-MD	خرید پمپ گریز از مرکز	۲ دستگاه	۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰

ب) شرایط اولیه متقاضی

۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره اقتصادی، توانایی مالی، سابقه کار مفید و مرتبط با موضوع مناقصه. ۲- داشتن شناسه ملی جهت شرکت در مناقصه الزامی است.

۳- داشتن حسن سابقه و ارائه گواهینامه های مورد نظر از خریداران قبلی و اعلام اسامی خریداران قبلی در صورت لزوم. ۴- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (در صورت تایید در ارزیابی کیفی مناقصه گران) و همچنین تضمین انجام تعهدات (در صورت برنده شدن در مناقصه) مطابق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی موضوع تصویب‌نامه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲ / ت مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲.

۲) نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند واقع در استان مرکزی، اراک - کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد.

۳) مهلت و محل دریافت فرمهای استعلام ارزیابی کیفی

متقاضیانی که دارای شرایط اولیه (بند ب) بوده و آمادگی لازم جهت انجام مناقصه مذکور را دارند می توانند پس از انتشار آگهی نوبت دوم (۳ روز پس از انتشار آگهی نوبت اول) به مدت ۵ روز کاری ضمن ارسال تقاضای شرکت در مناقصه مورد نظر از طریق نمابر ۳۳۶۷۲۰۱۳-۰۸۶ فرمهای استعلام ارزیابی کیفی را از پایگاه اینترنتی این شرکت به آدرس WWW.IKORC.ir دریافت و براساس آن مدارک لازمه را تکمیل و صرفا بر روی لوح فشرده (CD) به این شرکت تحویل یا ارسال نمایند.

۴) زمان و محل تحویل اسناد ارزیابی کیفی (تکمیل شده توسط متقاضیان)

زمان تحویل اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه‌گران، ۲ هفته پس از آخرین مهلت ارسال تقاضای شرکت در مناقصه می‌باشد. ضمنا محل تحویل یا ارسال لوح فشرده (CD) حاوی فرمها و مدارک تکمیل شده، به نشانی اراک - کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد - سه راهی شازند - شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند- اداره تدارکات و امور کالا - ساختمان ب ـ طبقه همکف اتاق ۱۲۰ ـ کد پستی ۴۱۱۱۱-۳۸۶۷۱ - تلفن: ۳۳۴۹۲۹۰۹ و ۳۳۴۹۲۸۴۰-۰۸۶ می باشد. بدیهی است به مدارک ارسالی بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا دادن پیشنهاد و ارائه اسناد و مدارک هیچگونه حقی برای متقاضی ایجاد نمی‌کند. لازم به ذکر است دستگاه مناقصه گزار پس از وصول لوح فشرده حاوی اسناد ارزیابی کیفی ظرف مدت ۱ ماه نسبت به اعلام اسامی واجدین شرایط اقدام خواهد نمود.

توجه: مناقصه گران نخست با مراجعه به سایت این شرکت (همزمان با انتشار آگهی نو